گزارش «فرهیختگان» از فعالیت‌های اولین گروه جهادی دخترانه دانش‌آموزی کشور

کار جهادی به سبک دهه هشتادی‌ها

ابوالقاسم رحمانی
روزنامه‌نگار

گزارش

لابه‌لای دوئل دهه‌ها، اینکه یکی دهه شصتی است و آن یکی هفتادی یا هشتادی، حتی لابه‌لای کشمکش‌های جنسیتی و اینکه مثلا چرا روی دیوار نوشته میدان ولی‌عصر(عج) تصویر هیچ خانمی طراحی نشده است و دغدغه‌هایی در این سطح، چند ده دختر نوجوان دبیرستانی و دانشگاهی تحت‌هدایت یک روحانی خوش‌ذوق و همسرش حرکتی را آغاز کرده‌اند که برای خیلی‌ها در حد شعار باقی مانده و کاری از پیش نبرده‌اند.

آنان بعد از بسته‌های ارزاق و جشن میلاد امام حسن(ع) و تهیه و توزیع لوازم‌التحریر و... حالا در شمال تهران و در مجتمع شادی خیابان مقدس اردبیلی گام بزرگ‌تری برمی‌دارند؛ حرکتی پسندیده که با اتکا به‌خیرات و نذورات مردمی و کمک‌های جاری و حتی پس‌اندازهای شخصی‌شان شکل گرفته است.

از صفحه مجازی گروه‌شان با آنها آشنا شده‌ام؛ لابه‌لای تمام پست‌هایی که برای یکی دو لایک بیشتر هر چیزی را منتشر می‌کنند، گلدان‌های کوچک کاکتوس و فرفره‌های رنگی، که این گروه به مردم هدیه داده‌اند، حسابی جلب توجه می‌کند. کمی بیشتر که پیگیر می‌شوم، متوجه می‌شوم اینها با تمام آن گروه‌هایی که تا به‌حال دیده‌ام، متفاوت هستند. از سن و سال تا یک‌دستی جنسیت‌شان؛ همه دختر بودند و بدون آنکه خیلی‌هاشان تا به حال همدیگر را دیده باشند، کنار هم برای کمک به مردم و رقم زدن لحظاتی خوش تلاش می‌کردند. محجبه‌ها بیشتر بودند؛ اما این مساله عجیبی نبود و بعدها هم در حد یک سوال و جواب برایم روشن‌تر شد؛ چون کار خوب را قربانی ظواهر نکرده بودند و من با یک حرکت فرهنگی تمام عیار روبه‌رو شده بودم.

وارد خیابان مقدس اردبیلی شدم. روزهای پایانی رمضان است و من با یک افطاری متفاوت با اعضای این گروه- که هنوز شناختم از آنها در حد همان پست‌های مجازی و گزارش‌های تصویری است- مواجهم. وارد مدرسه می‌شوم. اگر خیلی زود با امین (پسر بچه اوتیسمی و مهربان) آشنا نمی‌شدم و از دور هم آقای حیدرنژاد را نمی‌دیدم، خیلی زود مجبور به ترک آنجا می‌شدم. دختران زیادی که حالا سوای نیت یکسان‌شان، همرنگ شده بودند و روسری‌های آبی به سر داشتند. با امین چند دقیقه‌ای را روی صندلی کنار هم نشستیم؛ همه در تکاپو بودند و دخترها هر کدام کاری را انجام می‌دادند. یک نفر نان و آب روی میزها می‌گذاشت و دیگری هم بسته‌های پنیر، آبمیوه و... را مرتب و یکنواخت مقابل هر صندلی روی میز می‌گذاشت. نزدیک اذان بود. قبل از آنکه بانگ قرآن و ا...اکبر بپیچد، ترانه ماه عسل سال‌ها پیش تکرار می‌شد که می‌خواند: «از این سفره‌ها معجزه دور نیست». تا همین خط تمام می‌شد؛ صدا قطع می‌شد و دوباره از اول. انگار خانمی که مسئول صوت بود هنوز با دکمه‌های زیاد روی دستگاه آشنا نشده بود و با آن کلنجار می‌رفت. همین قطع و وصل صوت صدای آقای حیدرنژاد را درآورد. من هم از این فرصت استفاده کردم و بعد از معرفی دوباره کنار امین نشستم. سرشان شلوغ بود. من هم انتظار نداشتم آنجا صف بکشند و جواب خبرنگار را بدهند؛ اما بعد از چند دقیقه یکی از خانم‌ها آمد و پس از خوشامدگویی قرار شد که به سوالاتم پاسخ بدهد.

دستگاه صوت همچنان همان وضعیت را داشت و فضا هم آنقدر بزرگ نبود که از صدای محمد علیزاده و بهنام بانی دور شویم. بالاخره یک کلاس را انتخاب و سوال و جواب‌ها را شروع کردم. یکی‌یکی سوال کردم و پاسخ کامل را گرفتم. هرچند قرار نبود به همین‌ها اکتفا کنم. قبلا آقای حیدرزاده خودش قرار مصاحبه را گذاشته بود اما به خاطر شرایط خاص امروز مجبور بودم از سخنان کامل این خانم نهایت استفاده را ببرم. اقداماتی که تا امروز و قبل از این افطاری کرده بودند، زیاد بود. قرار شد سیاهه‌اش را بعدا به من بدهند که دادند و من در ادامه آنها را می‌نویسم. اما اینکه از کجا به اینجا رسیده‌اند و هدف چه بوده و چه هست و... سوالات اساسی‌تری بود که او در جواب گفت: «آقای حامد حیدری در مدارس تدریس می‌کرد. حین فعالیت درسی تصمیم گرفت، سوای درس از بچه‌های فعال و دغدغه‌مند دعوت کند به فعالیت‌های دیگری هم بپردازند. این فرآیند حدود دو سال طول کشید. در ابتدا حرکت با حدود ۱۰ نفر آغاز شد. حالا با اینکه بالای ۶۰ نفر هستیم روز به روز به تعدادمان افزوده می‌شود. حدود سه ماه هم هست که فعالیت‌ها گسترده‌تر و با اسم و برندی که به نام «ضحی» انتخاب کرده‌ایم، جدی‌تر شده است. تصورات غیرمنصفانه و غیرواقعی برخی نسبت به دختران و عدم‌وجود گروه جهادی دختران غیردانشجو جرقه آغاز کار بود؛ یعنی کشف استعداد و توانمندی‌های دختران در سنین پایین‌تر از دانشگاه و استفاده مفید از آنها هدف اولیه گروه بود. در «ضحی» همه‌چیز بر مبنای استعدادیابی و تقسیم‌بندی وظایف انجام می‌شود. تعدادی از دخترها در کارهای اجرایی، بعضی کارهای مدیریتی، کارهای روابط عمومی و رسانه‌ای و... مشغول فعالیت هستند. کار با اردوهای جهادی در ورامین آغاز شد. آموزش امور پرورشی و فرهنگی و عمرانی، امور فرهنگی در شهر و امور عمرانی در خارج از شهر صورت می‌گرفت. در رزومه‌ای که موجود است این امور کاملا تفکیک شده است. شعار این بود که دختران با دست‌های خالی هم می‌توانند کارهای بزرگی انجام دهند. ما هم با همین باور و تحت مدیریت آقای حیدرنژاد کارهای خوبی انجام داده‌ایم. برای کار خوب هیچ فیلتری نداشتیم؛ هر کسی که قصد کمک و برداشتن یک قدم خیر را داشت با ما همراه می‌شد. کار در یک سطح کوچک آغاز شد؛ اما حالا به مرحله‌ای رسیده است که در مراسم فعلی و آینده قصد آزاد کردن زندانی جرائم مالی را داریم. با فراخوان‌هایی که در صفحات مجازی می‌گذاریم، خیرینی که ما و خانواده‌هایمان را می‌شناسند، همچنین خود خانواده‌ها و دختران و ... با جمع‌آوری و ساماندهی نذورات و خیرات و پس‌اندازهای‌مان، هزینه چنین حرکت‌های مثبت را فراهم می‌کنیم. هیچ وابستگی‌ای به هیچ نهاد و ارگانی نداریم. از ابتدا هم قرار بر این بود که هیچ گرایشی به هیچ جریانی نداشته باشیم تا فعالیت‌هایمان از سیاست‌زدگی‌ها دور باشد. صدای صوت، مصاحبه را سخت‌تر می‌کرد. بهتر آن بود که زودتر تمام شود. از سختی‌های کار سوال کردم. او ادامه داد: «عدم‌حمایت بزرگ‌ترین مشکل ماست. اما شکستن این تابو برای ما و شخص آقای حیدرنژاد هزینه‌بردار بود و ما هجمه‌های زیادی را تحمل کردیم. به لطف خدا علی‌رغم تمام حرف و حدیث‌ها با قدرت پیش می‌رویم. حالا اینجا هستیم و این جشن بزرگ را تدارک دیده‌ایم.

جالب بود اعتماد به خود و عزم برای شروع یک حرکت منحصر به‌فرد از سوی دختران دبیرستانی و نوجوان. صحبت‌ها تمام شد و حالا من هم مثل امین و تمام دوست‌های اوتیسمی منتظر آغاز جشن و افطار و مراسم اصلی یعنی آزادسازی زندانی بودم. آنقدر لذت‌بخش بود که مثل خیلی چیزهای دیگر، لذت بر گذر زمان چیره شد. حالا این ما بودیم که متوجه گذر زمان نمی‌شدیم و برای گفتن و شنیدن اذان هم لحظه شماری نمی‌کردیم. همه چیز خوب و دوست‌داشتنی بود و ماند و جشن تمام شد.

دو روز گذشت و موعد گفت‌وگوی من با حامد حیدرنژاد فرا رسید. سوال‌ها باز هم خارج از دایره فعالیت‌ها بود؛ یک گروه با دو سال تلاش برای تثبیت و سه ماه فعالیت بی‌وقفه و تاثیرگذار حتما یک پشتوانه فکری و چشم‌انداز درخور توجهی دارد. آقای حیدرنژاد در این باره می‌گوید: «یک سری به صفحات مجازی بزنید و رفتارها و حرکات این نوجوانان دهه‌های اخیر به خصوص دهه هشتاد را ببینید. چقدر بعضی رفتارها زننده و دور از شأن است. اینها برآمده از بیماری یا مشکل ذاتی نیست؛ اصلی‌ترین مشکل این نوجوانان عدم‌توجه به آنهاست، عدم‌درک و باورشان. ما نتوانسته‌ایم به این نسل حس مفید بودن را القا کنیم. این موضوع معطوف به یک گروه جنسیتی نیست. نه‌تنها پسرها که حتی دخترها با این وضعیت خیلی جدی درگیر هستند و نیاز دارند به فهمیده شدن و درک شدن. در مدارس پسرانه گاهی حرکات مثبتی رخ می‌دهد اما کسی برای دختران کاری نمی‌کند. تا حرف از گروه جهادی دختران و استفاده از این گروه و دغدغه‌هایشان می‌زنی، می‌گویند دختر رو چه به این کارها. حدود دو سال است که وقت زیادی را برای این‌ها کنار گذاشته‌ام. هر پنجشنبه برای بچه‌ها کلاس داریم. در کلاس‌ها اتفاق خاصی نمی‌افتد، مگر گفت‌وگو و بحث درباره دغدغه‌مندی و توانمندی افراد و تفکرات و ... . حالا هم حدود سه ماه است که این گروه هر پنجشنبه را هویت‌دار کرده و به سر و سامان رسانده‌اند. بنده با گروه‌های دانشجویی سفرهای زیادی رفته‌ام و کارهای جهادی بسیاری انجام داده‌ام. به صورت کلی هم تجمیع گروه‌های دانشجویی کار آسانی است اما گروه دانش‌آموزی دختر کار جدید و نویی بود؛ البته خیلی سخت و پرحاشیه. هدف استفاده از توانمندی‌های این دختران بود؛ اینکه حس مفید بودن را به آنها القا کنیم و در کنارش به کار خیر بپردازیم. فیلتر عجیب و غریبی نداشتیم؛ اینکه حتما اعضا فلان و بهمان ویژگی را داشته باشند، نبود. هر کسی که علاقه به کار خیر داشت کنار ما نشست و شروع به کار کرد. کار خیر زبان مشترک همه آدم‌هاست. با کار خیر می‌توانیم همه آدم‌ها را کنار هم بنشانیم.

از همان ابتدا به اعضا گفتم که ما باید از هر نوع سیاسی کاری دوری کنیم؛ پایبند به تمام اصول نظام مقدس جمهوری اسلامی هستیم و در آن چارچوب حرکت می‌کنیم اما مثل بسیاری از مردم وارد سیاست‌زدگی نمی‌شویم. از هیچ نهاد و جریان سیاسی هم کمک نگرفته‌ایم و تنها جایی که به ما کمک کرده سرای محله شهرک شهید محلاتی بوده است.

در ارتباط با چشم‌انداز هم چیزی که واضح است اینکه، این دختران پنج تا ۱۰ سال دیگر یا دانشجو می‌شوند یا متاهل؛ ما بذری در سینه آنها کاشته‌ایم که سبب می‌شود آنان دغدغه‌مند و فعال پرورش یابند؛ افرادی که نسبت به انسان‌های دیگر و دنیای خود دغدغه‌مندند و روحیه جهادی دارند. از کارهای خیلی کوچک آغاز کرده و حالا به کارهای بزرگ‌تر رسیده‌ایم. بعد از این برنامه برای روز دختر برنامه ویژه دیگری داریم به اسم «عروسی صفر تومانی» که تمام مخارج یک عروسی از محل ساماندهی نذورات و خیرات مردمی تامین می‌شود. ما باید این موضوع را القا کنیم که نذر فقط شام و ناهار نیست و این موضوع را در بحث مهمی مثل ازدواج نشان بدهیم.

برای خودشناسی و باور خود باید از تظاهری که بخش بزرگی از آن ساخته فضای مجازی است فاصله بگیریم و با مراسم واقعی، مفیدتر زندگی کنیم.

صحبت با آقای حیدرنژاد دلچسب بود، اما محدودیت کلمه اتمام گفت‌وگو را ایجاب می‌کرد. با این تفاسیر و به عنوان جمع‌بندی باید ادعا کرد چنین جمع‌هایی با هر تعداد از نیرو با به ثمر نشاندن اهداف و دغدغه‌مندی‌های خود تعریف بهتری از جنسیت و توانمندی‌ها و دهه تولدشان ارائه می‌دهند؛ چراکه بر زمین نشسته و درصدد تعریفی مجازی و پوشالی از خود نیستند و خود را در عرصه عمل و جهاد معرفی می‌کنند.

برنامه‌هایی که تاکنون توسط گروه جهادی دانش‌آموزی دخترانه ضحی انجام شده است

- برنامه روز «دختر» در کنار دختران عقب‌مانده ذهنی موسسه عمل
- برگزاری جشن عقد و افطاری در مدرسه کودکان اوتیسم
- بازدید از آسایشگاه جانبازان مغز و اعصاب
- برنامه درختکاری به مناسبت شهدای مدافع حرم و آتش‌نشانان پلاسکو
- تهیه و بسته‌بندی پک‌های لوازم‌التحریر برای دانش‌آموزان نیازمند
- بازدید از دختران عقب‌مانده ذهنی موسسه ازگل
- رنگ‌آمیزی مدرسه کودکان اوتیسم
- رنگ‌آمیزی مدرسه کودکان کار در خاوران
- جمع‌آوری کمک‌های غیرنقدی برای زلزله‌زدگان کرمانشاه
- جشن افطار برای دختران روزه‌اولی در پارک دارآباد
- برگزاری جشن عید غدیر و کار آموزشی در روستای محمدآباد ورامین
- بسته‌بندی ۷۰ بسته ارزاق و ارسال کمک‌های غیرنقدی به زلزله‌زدگان کرمانشاه در روز چهارشنبه سوری
- برگزاری مراسم جشن نیمه‌شعبان در پل طبیعت و اهدای هدیه به مردم
- برگزاری افطاری در مدرسه کودکان ناتوان ذهنی و آزادسازی زندانیان جرائم مالی
- اهدای یک جهیزیه به زوج نیازمند با کاغذهای باطله
- پخش ۵۰۰ پرس غذا بین کارتن‌خواب‌های تهرانی
- تهیه و توزیع ۵۰۰ عدد ماسک به کودکان کار
- تهیه و بسته‌بندی ۷۰ بسته ارزاق به مناسبت میلاد امام حسن(ع) در ماه مبارک رمضان

درباره ایران -۴۱

زبان فارسی در خدمت اشاعه معارف اسلامی

آنچه می‌خوانید سلسله مباحث دکتر علی‌اکبر ولایتی و جمعی از کارشناسان در مجموعه برنامه‌های «ایران» در سیمای جمهوری اسلامی ایران در موضوع تبیین مفهوم «ایران و هویت ایرانی» است که در ستون ثابت «درباره ایران» به‌صورت پاورقی در روزنامه «فرهیختگان» منتشر می‌شود.

!!!

زبان فارسی خدمات عظیمی به فرهنگ و تمدن اسلامی کرده است. از میان کتاب‌هایی که در طول تاریخ اسلام تا امروز در سراسر جهان اسلام نوشته شده، رتبه اول زبان این کتاب‌ها از آن زبان عربی است و رتبه دوم بی‌تردید به زبان فارسی تعلق دارد. زبان اول عرفان اسلامی هم فارسی است. اصلا زبان فارسی در خدمت اشاعه معارف اسلامی بوده است. گلستان را در نظر بیاورید؛ کلام سعدی همه اسلامی و برگرفته از متون اسلامی قرآن و حدیث است. شاید بتوان گفت گلستان شیواترین و جدی‌ترین کتاب نثر فارسی است. حجمش هم زیاد نیست؛ اما از زمان حیات سعدی تا امروز بی‌هیچ تردیدی بر زبان فارسی حکمرانی دارد. همین کتاب ارجمند فارسی یک‌سره در خدمت بسط معارف اسلامی است. آنجا که می‌فرماید: «منت خدای را – عزوجل - که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نَفَسی که فرو می‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید مفرح ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.»

در زمان سامانیان، ادبیات فارسی پس از اسلام نخستین مراحل شکل‌گیری خود را با یک جهش و انفجار کم‌نظیر آغاز کرد و آن ظهور شاعری بزرگ ابوعبدا... رودکی بود. او را بحق در حوزه شعر فارسی، «آدم الشعرا»، می‌خوانند، همان‌طور که عبدالرحمن جامی را «خاتم الشعرا» می‌گویند. تاثیر شعر و موسیقی رودکی بر امیر نصر بن احمد سامانی که خود، اهل ادب بود تا بدان مایه رسید که حکایات عجیب از آن نقل شده است؛ از جمله اینکه عروضی سمرقندی در چهار مقاله نوشته است که امیر نصر همه‌ساله در ایام تابستان از بخارا به بادغیث که هوای معتدلی داشت می‌رفت. اما در تابستان سال ۳۱۷ق، مدت اقامتش بیش از مدت تابستان شد و به درازا کشید. هرچه همراهان شکیبایی به خرج دادند مدت اقامت به سر نرسید و دو سالی بر این منوال سپری شد. همراهان که هوای وطن در سرشان بود، برای تشویق امیر به بازگشت به بخارا از رودکی خواستند تا شعری بسراید. رودکی نیز در قصیده‌ای به‌همراه آوای دل‌انگیز چنگ زیبایی‌های بخارا و جوی مولیان را در دل امیر زنده کرد:

این در چهار مقاله سمرقند عروضی می‌گوید امیر نصربن احمد سامانی همه‌ساله از بخارا برای ایام تابستان به بادغیث می‌آمد. بخارا در تابستان هوایش گرم است. سامانیان قلمروشان تا ری و عراق عجم بود از ماوراءالنهر تا آنجا

«بوی جوی مولیان آید همی
یاد یار مهربان آید همی
ریگ آمو با درشتی‌های او
زیر پا چون پرنیان آید همی
آب جیحون و شگفتی‌های او
خنگ ما را تا میان آید همی
ای بَخارا شاد باش و دیر زی
شاه نزدت میهمان آید همی
میر ماه است و بخارا آسمان
ماه سوی آسمان آید همی
میر سرو است و بخارا بوستان
سرو سوی بوستان آید همی».

آگهی

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب حسین شهابی فرزند قاسم به شماره شناسنامه ۶ صادره از رابر در مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی صادره از واحد دانشگاهی بردسیر با شماره ۱۶۸۹۲۲۶۰۰۴۹۲ مورخ ۹۰/۵/۲۴ و سریال ۰۱۰۱۴۰۸ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحدبردسیر به‌نشانی: بردسیر-بلوار آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی-دانشگاه آزاد اسلامی واحد بردسیر کد پستی ۷۸۴۱۶۶۹۶۳۱ ارسال نماید.

آگهی ابلاغ اجراییه به آقای وحید شعبانی ماوی
به موجب اجراییه شماره ۹۷۱۰۴۲۸۹۱۶۶۰۰۰۳۶ مورخه ۱۳۹۷/۰۲/۲۱ صادره از شعبه ششم شورای حل اختلاف ساوه که طبق دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۸۹۱۶۶۰۰۳۸۰ شعبه ششم شورای حل اختلاف ساوه قطعیت یافته است آقای وحید شعبانی ماوی مجهول‌المکان در حق محکوم‌له (آقای عبداله اسدی) محکوم گردیده است به پرداخت مبلغ شصت میلیون ریال بابت اصل خواسته و مبلغ ۲/۳۳۰/۰۰۰ ریال هزینه دادرسی در حق خواهان و نیم‌عشر دولتی که باید کارسازی نماید. ضمنا رعایت تبصره ۲ ماده ۳۰۶ ق. آ. د. م الزامی است. بدین‌وسیله به نامبرده ابلاغ می‌شود ظرف ۱۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی نسبت به اجرای مفاد اجراییه اقدام نماید. در غیر این صورت در جهت اجرای حکم مزبور وفق مقررات اقدام خواهد شد. در صورتی که محکوم‌علیه محل اقامت خود را کتبا به این مرجع اعلام ننماید برای عملیات اجرایی ابلاغ یا اخطار دیگری به نامبرده قانونا ضرورت نخواهد داشت.
دفتر شعبه ششم شورای حل اختلاف شهرستان ساوه – علیه داعی/م.الف ۲۱۰۵

آگهی ابلاغ اجراییه
به موجب اجراییه شماره ۹۷۱۰۴۲۸۹۱۶۳۰۰۰۵۳ مورخ ۹۷/۰۳/۰۹ صادره از شعبه سوم شورای حل اختلاف طبق دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۸۹۱۶۳۰۰۶۲۸ شعبه سوم شورای حل اختلاف قطعیت یافته است آقای حمید پارسیان مجهول‌المکان به پرداخت ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان بابت اصل خواسته به‌علاوه پرداخت هزینه دادرسی به مبلغ ۵/۳۸۰/۰۰۰ ریال و پرداخت نیم‌عشر دولتی با توجه به غیابی بودن رای رعایت تبصره ۲ ماده ۳۰۶ ق. ا. د. م لازم‌الاجرا می‌باشد در حق محکوم‌له (آقای اکبر فیض‌پور فرزند حسین) محکوم گردیده است بدین‌وسیله به نامبرده ابلاغ می‌شود ظرف ۱۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی نسبت به اجرای مفاد اجراییه اقدام نماید در غیر این صورت در جهت اجرای حکم مزبور وفق مقررات اقدام خواهد شد. در صورتی که محکوم علیه محل اقامت خود را کتبا به این مرجع اعلام ننماید برای عملیات اجرایی ابلاغ یا اخطار دیگری به نامبرده قانونا ضرورت نخواهد داشت.
دفتر شعبه سوم شورای حل اختلاف شهرستان ساوه- متقی/ م.الف ۲۰۹۸

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی
خواهان مسلم حجتی دادخواست بر طرفیت خواندگان ۱- تیمور نادری ۲- حسین فعله‌گری به خواسته الزام به تنظیم سند خودرو تقدیم شورای حل اختلاف شهرستان ساوه نموده که جهت رسیدگی به شعبه دو شورای حل اختلاف شهرستان ساوه واقع در ساوه – شهرک فجر – پشت کمیته امداد – ساختمان شورای حل اختلاف شهرستان ساوه ارجاع و به کلاسه ۹۷۰۹۹۸۸۹۱۶۲۰۰۰۸۶ ثبت گردیده است که وقت رسیدگی آن روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۰۹ ساعت ۱۶:۳۰ تعیین شده است به علت مجهول‌المکان بودن خوانده آقای حسین فعله‌گری و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.
دفتر شعبه دوم شورای حل اختلاف شهرستان ساوه – مجیدی/ م.الف ۲۰۹۷

آگهی ابلاغ وقت دادرسی
بدین‌وسیله اعلام می‌شود بانک قوامین دادخواستی بخواسته مطالبه وجه به طرفیت مرضیه غلامی فرزند محرمعلی تسلیم شوراهای حل اختلاف نموده که به این شعبه ارجاع و به کلاسه ۹۶۱۱۹۱ ثبت و وقت رسیدگی برای روز شنبه ۱۳۹۷/۰۵/۰۶ ساعت ۱۷ تعیین شده است به علت مجهول‌المکان بودن خوانده به درخواست خواهان و دستور دادگاه و تجویز ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی مراتب یک نوبت آگهی می‌شود تا خوانده از تاریخ انتشار این آگهی ظرف یکماه به دفتر شورای حل اختلاف ساوه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت نماید و در وقت یاد شده جهت رسیدگی حاضر گردد در صورت عدم حضور یا عدم معرفی وکیل یا عدم ارسال لایحه دفاعیه وفق مقررات اتخاذ تصمیم خواهد شد
مجتبی نادعلی - شعبه اول شورای حل اختلاف شهرستان ساوه / م.الف ۲۰۹۴

آگهی ابلاغ وقت دادرسی
بدین‌وسیله اعلام می‌شود بانک مهر اقتصاد با وکالت خانم جزایری دادخواستی به خواسته مطالبه وجه به طرفیت ۱-جعفر ارفعی ۲-عباس شاطری ۳-علی ارفعی تسلیم شوراهای حل اختلاف ساوه نموده که به این شعبه ارجاع و به کلاسه ۹۷۰۱۰۹ ثبت و وقت رسیدگی برای روز شنبه ۹۷/۰۴/۳۰ ساعت ۱۶:۴۵ تعیین شده است به علت مجهول‌المکان بودن خواندگان به درخواست خواهان و دستور دادگاه و تجویز ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی مراتب یک نوبت آگهی می‌شود تا خوانده از تاریخ انتشار این آگهی ظرف یک ماه به دفتر شورای حل اختلاف ساوه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود دادخواست و ضمائم را دریافت نماید و در وقت یاد شده جهت رسیدگی حاضر گردد در صورت عدم حضور یا عدم معرفی وکیل یا عدم ارسال لایحه دفاعیه وفق مقررات اتخاذ تصمیم خواهد شد.
متصدی امور دفتری شعبه ۳ شورای حل اختلاف شهرستان ساوه- تقوی/م.الف ۲۰۹۹

آگهی ابلاغ وقت دادرسی
بدین‌وسیله اعلام می‌شود محمدرضا کاشی دادخواستی به خواسته مطالبه وجه به طرفیت مهدی مولائی فرزند حسن تسلیم شوراهای حل اختلاف نموده که به این شعبه ارجاع و به کلاسه ۹۷۰۱۵۶ ثبت و وقت رسیدگی برای روز چهارشنبه ۱۳۹۷/۰۵/۰۳ ساعت ۱۷:۱۵ تعیین شده است به علت مجهول‌المکان بودن خواندگان به درخواست خواهان و دستور دادگاه و تجویز ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی مراتب یک نوبت آگهی می‌شود تا خوانده از تاریخ انتشار این آگهی ظرف یک ماه به دفتر شورای حل اختلاف ساوه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود دادخواست و ضمائم را دریافت نماید و در وقت یاد شده جهت رسیدگی حاضر گردد در صورت عدم حضور یا عدم معرفی وکیل یا عدم ارسال لایحه دفاعیه وفق مقررات اتخاذ تصمیم خواهد شد.
ناصر قربانی - شعبه اول شورای حل اختلاف شهرستان ساوه/م.الف ۲۱۰۰

احتراما درخصوص دعوی یونس فرهمندنیا به طرفیت عبدالعلی نوروزی – فاطمه نوروزی فرزند----- به خواسته مطالبه دادخواست خود را به شعبه اول شورا تسلیم که به کلاسه ۹۷/۱۷۹ ثبت و برای تاریخ ۹۷/۵/۲۳ و ساعت ۹ صبح تعیین وقت گردیده و نظر به اینکه خوانده مجهول‌المکان می‌باشد لذا حسب درخواست خواهان و تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی یک نوبت مراتب در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار اگهی تا خوانده- خواندگان مذکور ضمن مراجعه به دفتر شعبه اول شورای حل اختلاف بوشهر نشانی خود را اعلام و اوراق مربوطه را دریافت دارد در غیر این صورت شورا غیابا رسیدگی و مبادرت به اتخاذ تصمیم می‌نماید.
مدیر دفترشعبه اول شورای حل اختلاف بوشهر
تاریخ انتشار: ۹۷/۳/۲۸

رونوشت آگهی حصروراثت
آقای امید قایدی دارای شناسنامه شماره ۳۸۱ بوشهر به شرح دادخواست به کلاسه ۹۷/۱۸۵ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان محمد قائدی به شماره شناسنامه ۳۳۵۷۷ بوشهر در تاریخ ۹۶/۳/۲ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به:
۱- زهرا قایدی به شماره ملی ۳۵۰۰۷۲۴۱۸۳ همسر متوفی
۲- امید قایدی به شماره ملی ۳۵۰۰۸۷۱۵۲۶ پسر متوفی
۳- ماندنی قایدی به شماره ملی ۳۵۰۰۲۸۹۷۴۶ پسر متوفی
۴-امین قایدی به شماره ملی ۳۵۰۱۰۷۲۵۷۰ پسر متوفی
۵- عبدالحمید قایدی به شماره ملی ۳۵۰۰۷۹۴۶۶۱ پسر متوفی
۶- نصرت قایدی به شماره ملی ۳۵۰۰۸۰۱۳۵۸ دختر متوفی
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.
رئیس شعبه پنجم شورای حل اختلاف بوشهر
تاریخ انتشار: ۹۷/۳/۲۸

کارت دانشجویی اینجانب حانیه سلمان طاهری به شماره دانشجویی ۹۴۵۲۳۲۷۹ دانشگاه علم و صنعت ایران مقطع کارشناسی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.